

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۰، مکان معبد

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۰، مکان معبد است.

وعده به داوود با پادشاه شدن داوود آغاز می‌شود و اهمیت پادشاه شدن داوود با توجه او به صندوق عهد و آوردن آن به اورشلیم ادامه می‌یابد.

اما البته، داوود کارهای بسیار بیشتری از ساختن معبد انجام داد، و همه ما می‌دانیم که داوود سازنده امپراتوری بود، بنابراین وقایع‌نگار آن بخش از داستان را که در آن داوود قلمرو خود را از اطراف اورشلیم و یهودا به منطقه‌ای وسیع گسترش می‌دهد و از آنجا خراج جمع‌آوری می‌کند، از قلم نمی‌اندازد. اما تمرکز وقایع‌نگار همیشه به آنچه که در امپراتوری داوود واقعاً مهم است برمی‌گردد. آنچه مهم است این واقعیت نیست که داوود آرامی‌ها را تا صوبه در رشته‌کوه لبنان، و آمونیان و موآبیان و ادومی‌ها را تا خلیج عقبه، و فلسطینیان را عملاً تا مدیترانه فتح کرده است.

اما اهمیت پادشاهی داوود در آماده‌سازی او برای معبد است، زیرا به هر حال، پادشاهی داوود امپراتوری نیست. پادشاهی داوود معبدی است که نمایانگر پادشاهی خداست. بنابراین، در طرح کلی خود، به مرحله دیگری رسیده‌ایم.

ما ملت موعود را دیده‌ایم. اکنون شاهد تأسیس پادشاهی هستیم که به سرزمینی وسیع تبدیل شده و داوود بر آن حکومت می‌کند. اما اکنون بیشترین جزئیات وقایع‌نگار در مورد آماده‌سازی‌های او برای معبد خواهد بود.

لطفاً توجه داشته باشید که بخش عمده‌ی داستان تمام کتاب‌های سموئیل توسط وقایع‌نگار در حدود ده فصل، از فصل دهم تا بیستم، پوشش داده شده است که در آن او به روشنی توضیح می‌دهد که چگونه داوود پادشاه یک امپراتوری شد. و تمام جزئیاتی که در اول و دوم سموئیل آمده است را می‌توان در همین فضای کوتاه خلاصه کرد. فقط باید بدانید که یک امپراتوری داوود وجود دارد.

حالا آنچه باید بدانید، و این تقریباً ده فصل دیگر را به خود اختصاص می‌دهد، صحبت در مورد آماده‌سازی معبد توسط داوود است که همان پادشاهی خداست. آماده‌سازی معبد به شیوه‌ای نسبتاً نامیمون آغاز می‌شود. آنها با توصیف نحوه انتخاب محل معبد شروع می‌کنند.

حال، این داستان نه در کتاب سموئیل و نه در تواریخ، داستان شادی نیست. نسخه‌ای که وقایع‌نگار در دست دارد، در واقع تا حدودی با نسخه سموئیل متفاوت است، زیرا او متنی متفاوت از متنی که در کتاب سموئیل برای ما حفظ شده، دارد. اما همه چیز با شمارش سربازان شروع می‌شود.

یکی از چیزهایی که اشتباه است و نشان‌دهنده بی‌وفایی است، زمانی است که شما برای محافظت از خود به سربازان تکیه می‌کنید و ارتش خود را می‌شمارید. و از بسیاری جهات، این یک آزمون است. بنابراین، داوود تصمیم می‌گیرد که باید تعداد سربازان خود را پیدا کند.

البته ما به این موضوع عادت کرده‌ایم. ما همیشه سرشماری انجام می‌دهیم. من در زندگی‌ام چند بار سرشماری شده‌ام، نمی‌دانم، بیشتر برای اینکه بتوانم مالیات بدهم، اما به این دلیل که دولت فدرال کانادا سوابق انواع و اقسام چیزها را در مورد مردمش، اینکه چه کسانی هستند، کجا زندگی می‌کنند و چه کار می‌کنند، می‌خواهد.

دیوید فقط می‌خواست کمی کنترل بیشتر بر این امپراتوری وسیع خود داشته باشد و شغل جنگجوی او فکر می‌کند که این ایده خوبی نیست. هیچ دلیلی برای انجام این کار وجود ندارد. با این حال، اتفاقی که اینجا می‌افتد این است که روشی که وقایع‌نگار داستان را روایت می‌کند، به طرز چشمگیری با روشی که در کتاب ساموئل می‌خوانید متفاوت است.

در کتاب سموئیل، آزمایش داوود از جانب خداوند است و به نوعی به این دلیل است که داوود بیش از حد به خود اعتماد داشته و بیش از حد به جنگجویان خود و خودش اعتماد داشته است. و بنابراین، خدا او را آزمایش و قضاوت می‌کند. وقایع‌نگار این را اینگونه بیان نمی‌کند.

وقایع‌نگار می‌گوید، و در بیشتر ترجمه‌های شما، شما این را به عنوان یک نام خواهید خواند زیرا با حروف بزرگ نوشته شده است که این شیطان بود که داوود را وسوسه کرد. حال، می‌خواهم انتخاب مترجم را در تبدیل این به یک نام شخصی شیطان زیر سوال ببرم. و به همین دلیل است که می‌خواهم انتخاب مترجم را در تبدیل این به یک نام شخصی شیطان به چالش بکشم.

این نام شخصی شیطان است، زمانی که به عهد جدید می‌رسیم. او شاهزاده شیاطین است، و او وسوسه‌گر اصلی است، و غیره. با این حال، در کتاب مقدس عبری، اصطلاح شیطان یک نام شخصی نیست.

این فقط یک اسم عام است. به این صورت نوشته می‌شود، شیطان، و به سادگی به معنای مخالف است. کسی که می‌تواند به شما خیانت کند.

کسی که می‌تواند شما را به انجام کار اشتباه سوق دهد. و بنابراین قبلاً اشاره کردم که وقتی داوود در صقلغ بود، رهبر نظامی فلسطینیان می‌خواست داوود و افرادش را به عنوان بخشی از سربازان در نبرد با اسرائیل با خود ببرد. و آن فلسطینی دیگر گفت نه، او یک شیطان است.

حالا، منظورشان این نبود که او یک شیطان از هر نوعی است. آنها فقط گفتند که او در واقع طرف ما نیست. او کسی است که بنی‌اسرائیل می‌گفتند شائول هزاران نفرش را و داوود ده‌ها هزار نفرش را کشته است.

و اگر وقتی وارد بحبوحه نبرد می‌شویم، داوود را با خود ببریم، ممکن است به ما پشت کند و به شائول بپیوندد. او یک شیطان است. حال، هیچ مدرک زبان‌شناختی وجود ندارد که نشان دهد وقایع‌نگار از این اصطلاح به معنای دیگری غیر از معنای بسیار رایج آن استفاده کرده است.

واضح است که او در این مرحله گفته‌های سموئیل را تفسیر می‌کند. و انکار نمی‌کند که خدا کسی بود که داوود را آزمایش می‌کرد. اما چگونه این آزمایش از جانب خدا برای داوود پیش آمد؟ خب، وقایع‌نگار می‌گوید که شیطان عامل آن بوده است.

به عبارت دیگر، جایی در میان ژنرال‌های داوود یا جایی در میان سربازانش، کسی بود که می‌گفت خب می‌دانید، ما باید اینجا شمارشی از ارتش‌هایمان داشته باشیم. باید بدانیم که از نظر دفاعی و اقدامات نظامی در کجا قرار داریم. و بنابراین، باید کل این سرشماری را انجام دهیم.

و بنابراین، داوود، یوآب را می‌فرستد تا از میان تمام ۱۲ قبیله اسرائیل عبور کند، که این موضوع او را بسیار آزوده خاطر کرد، تا تمام سربازان را بشمارد. حال، فقط می‌خواهم اشاره کنم که به نظر من، این به احتمال زیاد منظور مورخ است، و تقریباً غیرممکن است که فکر کنیم منظور مورخ این است که این در واقع

شیطان بوده است. اگر منظور مورخ این است که این شیطان بوده است، پس مورخ در تضاد با کتاب‌های سموئیل قرار می‌گیرد زیرا خدا از شیطان استفاده نمی‌کند.

اما خدا ابزارهای انسانی خود را به روش‌های دیگری هم به کار می‌گیرد که به نظر من احتمال بیشتری دارد منظور نویسنده وقایع باشد. بنابراین، همانطور که می‌دانیم، نتیجه این است که طاعون شیوع پیدا می‌کند زیرا این امر برای خدا بسیار ناخوشایند است و داوود از این واقعیت که این طاعون شیوع پیدا کرده و در واقع به او یک گزینه داده شده، ابراز تاسف می‌کند. می‌دانید، برای متوقف شدن این طاعون چه می‌خواهید؟ و داوود می‌گوید، خب، قضاوت باید بر عهده من باشد.

نباید این بلا بر سر این افراد دیگر که واقعاً بی‌گناه هستند بیاید. آنها قربانی هستند. بنابراین، بقیه فصل، درباره اعتراف داوود و نقطه‌ای است که فرشته نابودگر، ملاک، پیام‌آوری که طاعون را آورده است متوقف می‌شود.

در تواریخ، او به عنوان حامل شمشیر و به عنوان واسطه‌ای که مشاهده شده است، دیده می‌شود. سموئیل این را نمی‌گوید، اما البته کاری که وقایع‌نگار در این مرحله انجام می‌دهد، استفاده از نسخه‌ای از سموئیل است که این را می‌گوید. بنابراین، آنچه مشخص است این است که خدا این بلا را از طریق پیام‌رسان خود انجام می‌داد و در یک مکان خاص متوقف شد.

انجا یک محل خرمن‌کوبی بود. در زمان‌های قدیم، ماشین‌های درو، چیزی که ما به آن کمباین می‌گفتیم، این ماشین‌های بزرگ که می‌توانند مزرعه را غلاتانده و تمام دانه‌های غلات را بیرون آورده و در یک مخزن بریزند وجود نداشت. در عوض، آنها را جمع می‌کردید، آنها را به صورت دسته‌هایی می‌بستید، و سپس یک منطقه مسطح، عموماً تا حدودی مرتفع، داشتید تا بتوانید نسیمی را حس کنید، و دانه‌ها را می‌کوبیدید، و باد کاه را با خود می‌برد.

بنابراین منظور از خرمنگاه جایی است که طاعون متوقف می‌شود. بنابراین، این خرمنگاه سپس به مکانی تبدیل می‌شود که داوود وقف می‌کند، و این امر از طریق نشانه‌هایی مانند نشانه‌هایی که هنگام وقف خیمه در پایان کتاب خروج فصل ۳۴ رخ داد، تأیید می‌شود، جایی که داوود قربانی را تقدیم می‌کند و آتش قربانی را به سلیمان می‌سوزاند. این دستور داوود به سلیمان است.

این یک وظیفه شخصی است که داوود به سلیمان می‌دهد، و او به سلیمان توضیح می‌دهد که کاری که او انجام می‌دهد مهمترین کاری است که تا به حال انجام داده است. او در مورد ساختن امپراتوری خود صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد تخت سلطنت، کاخی که نمایانگر حکومت خدا خواهد بود صحبت می‌کند، و این از طریق جمع‌آوری تمام مواد توسط داوود و از طریق دستور او به همه رهبران اسرائیل مبنی بر حمایت آنها از سلیمان اتفاق می‌افتد. بنابراین، این آغاز چیزی است که برای وقایع‌نگار روایتی نسبتاً طولانی که در آن او به دنبال گفتن در مورد نکته حیاتی زندگی داوود است، یعنی آماده‌سازی او برای آن معبدی که قرار بود نمایانگر پادشاهی خدا باشد، مهمترین چیز است.

من دکتر آگوست کانکل هستم در تدریسش در مورد کتاب‌های تواریخ. این جلسه دهم، مکان معبد است.